

سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳
<div><div>۵<div>IMDb</div></div></div>
شمارهٔ ۴۱۲

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY



بیانیه روابط عمومی نماوا درخصوص گفت‌وگوی اخیر نایب‌رئیس هیات‌مدیره

غیر از هنر که تاج سرآفرینش است/دوران هیچ منتزلی جاودانه نیست

مجموعه نماوا به عنوان یکی از قدیمی‌ترین سکوه‌ای نمایش خانگی مفتخر است که سال‌ها خود را به منزله خانه سینماگران و هنرمندان ایران تلقی کرده و رابطه احترام‌آمیز و مبتنی بر اصول حرفه‌ای با ایشان را همواره راهنمای عمل خود داشته است.

نماوا در بحران‌های اقتصادی سال‌های اخیر سینمای ایران، در کنار سایر سکوه‌ای نمایش، کوشیده فضا و فرصتی فراهم کند تا آسیب‌های کمتری متوجه نیروهای خلاق سینما شود. هرچند که در جریان ساخت و نمایش برخی مجموعه‌های نمایشی مشکلاتی با برخی از همکاران پدید آمده باشد و مجموعه‌ای علیرغم صرف هزینه‌های گزاف، با بدعهدی به پخش نرسیده باشد، اما بدیهی است که چنین مشکلاتی عمومیت ندارند و مصاحبه اخیر نایب رئیس هیات مدیره نماوا را می‌باید صرفاً واکنشی به موردی مشخص تلقی کرد. مجموعه نماوا ضمن پی‌وژش از هنرمندان شریف و نجیب و جامعه اصناف سینمای ایران تاکید دارد که تداوم رابطه مودت‌آمیز و محترمانه با سرمایه‌های گران‌سنگ سینمای ایران همچنان مهم‌ترین سرمایه او خواهد بود.

واکنش خانه سینما

هیأت‌رئیسه خانه سینما (جامعه اصناف سینمای ایران) با توجه به اظهارات اخیر نایب‌رئیس پلتفرم نماوا که موجب تشویش آذهان عمومی و واکنش‌های گسترده اعضای صنف سینمای ایران شده است، بررسی این موضوع را به شورای صیانت‌خانه سینمای ایران ارجاع می‌دهد. بدیهی است نتیجه و عکس‌العمل لازم پس از اظهارنظر شورای صیانت به اطلاع اعضای محترم سینمای ایران خواهد رسید.

انجمن صنفی بازیگران سینما منتشر کرد

سخنان توهمین آمیز و به دور از آداب اخلاق یکی از مدیران ارشد نماوا و اتهام بی‌تعهدی و بی‌اخلاقی به عموم بازیگران و تهیه‌کنندگان چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ این نگاه ناعادلانه، قیم مآبانه از بالا به پایین نسبت به کسانی که موجودیت همان پلتفرم از وجود آنها شکل گرفته نشانگر چیست ؟

توجیه سوء مدیریت‌های غیرمتخصصانه با تهمت زدن‌های بی‌ادبانه بیش از هر چیز زیر سوال بردن هویت تشکیلاتی است که متأسفانه با عنوان فرهنگی و هنری، اخلاق و ادب را قربانی اهداف اقتصادی خود می‌کند.

انجمن صنفی بازیگران سینما حق قانونی خود برای اقدام حقوقی علیه این اظهارات در مراجع ذیصلاح و پیگیری کامل آن از محفوظ دانسته و از هیات‌مدیره و مدیران ارشد نماوا می‌خواهد بدون قید و شرط از تماس با بازیگران، تهیه‌کنندگان و سینماگران کشور عذرخواهی رسمی نمایند.

و از انجمن صنفی محترم شرکت‌های نمایش ویدئوی آنلاین (VOD) نیز انتظار دارد در جهت حفظ حرمت سینماگران و احترام به سینمای شریف و فاخر کشورمان برخوردی مناسب و شایسته در این خصوص داشته باشد.

مصاحبه جنجالی یک مدیر نماوا، پرونده شبکه نمایش خانگی را به مرحله جدیدی وارد کرد

واقعاً چقدر خرج می‌کنید؟



سیاده جلیل‌زاده

خبرنگار گروه فرهنگ

محمد حسن شانه‌ساززاده، نایب‌رئیس هیات‌مدیره نماوا اخیراً مصاحبه‌ای داشت که در بخشی از آن به هزینه‌های تولید پروژه در این مجموعه اشاره می‌شد و پرسش‌های قدیمی درباره منطق اقتصادی کار در شبکه نمایش خانگی ایران را پررنگ‌تر می‌کرد. او گفت تا به حال در نماوا دوهزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شده است. نماوا در اواخر سال ۹۲ و اوایل ۹۳ تأسیس شد و می‌شود تخمین زد که ارزش ریال در آن دوره چه تفاوتی با امروز دارد. به عبارتی بخش قابل‌توجهی از این سرمایه‌گذاری در طول سال‌هایی انجام شده که تورم کشور بسیار بالا بود و اختصاص دادن پول نقد به پروژه‌های هنری، حتی اگر اصل سرمایه هم بعد از یکی- دو سال به سرمایه‌گذار برگردد، با توجه به سرعت تورم ایران یک نوع ضرر اقتصادی است؛ اما طرفه اینجاست که نماوا و شرکت‌های امثال آن همچنان ضرر هم می‌کنند. شانه‌ساززاده در ادامه هزینه ساخت هر قسمت از سریال‌های مجموعه نماوا را بین سه تا هشت میلیارد تومان اعلام می‌کند و از «سوشون» به کارگردانی نرگس آبیار به‌عنوان نمونه‌ای از گران‌قیمت‌ترین سریال‌ها نام می‌برد. بخش دیگری از صحبت‌های حسن شانه‌ساززاده به گلایه او نسبت به عدم اخلاق‌مداری در میان بازیگران و سایر عوامل سینما برمی‌گردد که بدعهدی‌های زیادی می‌کنند و رفتارشان نامنظم و خارج از چهارچوب است. او می‌گوید: «هزینه‌ها جای خود ولی بازیگران، تهیه‌کنندگان، همه بی‌اخلاقی‌های خاص خود را دارند؛ نه به قرارداد متعهد هستند، نه به حرف‌شان. اسم‌شان هنرمند و فرهیخته و فرهنگی است، اما بسیار بی‌اخلاق‌اند.» سپس وقتی مجری از شانه‌ساززاده تلویحاً می‌پرسد که آیا با بیان این حرف‌ها نگران بازخورد‌های منفی در بین عوامل سینما و بایکوت نماوا نیست، او می‌گوید که چنین نگرانی‌هایی ندارد چون مساله این افراد فقط پول است و اگر پول باشد هرکاری می‌کنند. بلافاصله

همایون اسعدیان به این اظهارنظرها واکنش نشان داد و گفت «در ۴۰ سال گذشته شاهد این میزان از وقاحت در اظهارنظر کسی درمورد هنرمندان نبودم و این صحبت‌ها بی‌سابقه است.» او سپس خود شانه‌ساززاده را بیشتر از هنرمندان، زیننده صفت‌هایی که به کار برد دانست و راجع‌به آن جمله او که بیان کرده بود حتی با وجود این اظهارنظرهای تند، اگر پول در کار باشد هنرمندان همچنان با نماوا کار می‌کنند گفت «قیاس به نفس می‌فرمایید جناب شانه‌ساز. حداقل برای منی که در دو پروژه با شما کار کردم و چیزهای بسیاری از شما دیدم این حرف‌ها باعث تأسف است.» آخرین جملات همایون اسعدیان این بود که «جناب شانه‌ساز برای حفظ حرمت سینمای ایران، من، همایون اسعدیان عضو کوچک این سینما تا زمانی که شما در نماوا حضور داشته باشید در هیچ سمتی با این مجموعه همکاری نخواهم کرد.» درباره اینکه آیا سایر هنرمندان

هم مثل اسعدیان بابت این اظهارنظر حسن شانه‌ساززاده با نماوا قطع همکاری خواهند کرد یا نه، در آینده نزدیک می‌توان اظهارنظر کرد. بعد از اسعدیان، حسین فرحبخش که از تهیه‌کنندگان تجاری سینمای ایران است و تا به حال نه‌تنها با نماوا بلکه با هیچ‌کدام از پلتفرم‌ها همکاری نکرده هم به حمایت از همکاریش پرداخت و به نماوا تاخت. اندک‌اندک به فهرست عوامل دیگری از سینما که به‌عنوان حامی اسعدیان یا منتقد مدیر نماوا ظاهر شدند اضافه شد. هوشنگ گلمکانی به افشاکاری مقابل راجع‌به نماوا پرداخت و «کسب درآمد بی‌قرارداد از فیلم‌ها و سریال‌های خارجی» را مورد اشاره قرار داد؛ چیزی که حتی اگر بی‌اخلاقی باشد ربطی به داخلی‌ها ندارد و اساساً ربطی به این بحث هم ندارد. پس از آن مازیار میری که همکار قدیمی و یار دیرین اسعدیان است هم حرف‌هایی زد که حتی در انتخاب واژگان نزدیک‌سیساری به رفیق قدیمی‌اش داشت و مدتی بعد رضائیانیا از جانب انجمن صنفی بازیگران سینمای ایران اعلام کرد که این انجمن از شانه‌ساززاده بابت اظهارنظرش شکایت می‌کند. فارغ از اینکه آیا چنین شکایتی محلل قانونی خاصی دارد یا نه، باید توجه کرد که درواقع واکنش کسانی از قبیل اسعدیان و فرحبخش و گلمکانی و کیانیان با واکنش کلی یک صنف که تک‌تک اعضای می‌توانند از بار آن شانه خالی کنند، نمی‌تواند سویه‌های تعیین‌کننده را درمورد رفتار صنف هنرمندان سینما نمایان کند. اگر انهایی که پروژه‌هایی با این پلتفرم دارند یا در معرض دعوت به همکاری هستند همکاری‌شان را قطع کنند، آنگاه می‌توان گفت حرف شانه‌ساززاده غلط از آب درآمده است؛ چیزی که احتمال رخ دادن آن نزدیک به صفر است و مثلاً از نرگس آبیار که پروژه او در این گفت‌وگوی کوتاه باره برده شد هیچ واکنشی سر نزد یا اسماعیل عقیفه که تهیه‌کننده مجموعه «جنگل آسفالت» در همین پلتفرم نماوا است، با لحنی واکنش نشان داد که نه‌تنها بوی قطع همکاری نمی‌داد، بلکه خیلی متواضعانه بود و مشخص بود صرفاً برای دلخوشی عوامل سریال بیان شده است. عقیفه در بخشی از این واکنش در اینستاگرامش نوشت: «علی‌رغم بالا و پایینی که هر پروژه دارد صمیمانه و همراه با اعتماد متقابل مشغول کاریم.» اینها اما نکته اصلی نیست. اسعدیان و دیگر کسانی که به صحبت‌های یکی از مدیران نماوا واکنش نشان دادند باز هم ترجیح دادند راجع‌به منطق اقتصادی مشوه و سوال‌برانگیز پلتفرم‌های نمایش خانگی سکوت کنند و سطح دعوا را به یک کل‌کل و توهمین لفظی تقلیل بدهند. سوال اصلی که از عمر آن حداقل ۱۰ سال می‌گذرد این است که چطور امکان دارد هزاران میلیارد تومان در صنعتی که مطلقاً به لحاظ مالی سودرسان نیست سرمایه‌گذاری شود؟ چه انگیزه‌ای پشت این سرمایه‌گذاری‌ها هست ؟ چطور ممکن است شبکه نمایش خانگی ذیل عنوان مخدوش و غیرواقعی «بخش خصوصی» به‌عنوان جفاتی بالای سر سینمای اصطلاحاً ارگانی یا تلویزیون رسمی کشور قرار بگیرد و هر چیزی خارج از دایره آن با عواوین منفی و تند و تیزی مثل تولیدات حکومتی

تکفیر شود اما پس از ۱۰ سال، یک خط جواب منطقی به این پرسش داده نشود که اگر این بخش از سینما و شبکه نمایش خانگی به واقع خصوصی است، چرا حساب و کتاب مالی‌اش با عقل جور در نمی‌آید؟ چرا ۱۰ سال است که هزاران میلیارد تومان در آن سرمایه‌گذاری شده و فقط ضرر داده، اما همچنان تعطیلش نمی‌کنند؟ اگر در تاسیس و برپا نگه داشته شدن شبکه نمایش خانگی انگیزه‌های غیر از اقتصاد سیاسی که وابسته به یکی از جناحین داخلی است وجود دارد و اگر شیوه‌های تزریق پول به این سیستم کاملاً منطقی و قابل توضیح هستند، چرا امثال همایون اسعدیان سوای از کل‌کل صنفی و جنگ لفظی با مدیری از نماوا، به دلیل همان چندباری که با این مجموعه‌ها کار کرده‌اند، توضیحی درباره این موارد نمی‌دهند؟ روز ۲۸ فروردین‌ماه سال ۱۳۹۸ بود که همایون اسعدیان با خیرگزاری ایسناگفت‌وگویی کرد تا به سوالی که آن روزها خیلی مطرح بود پاسخ بدهد.

وزارت ارشاد در آستانه سال نو یک میلیارد تومان پول به متصدیان خانه سینما داده بود تا بین عوامل تقسیم شود اما هیچ‌کس اعلام نکرد که پولی دریافت کرده و سرصودها از این سو و آن سو بلند شد. این چندمین باری بود که خانه سینما چنین رفتاری می‌کرد و همایون اسعدیان چنین پاسخ داد «ما در خانه سینما هم برای عید سال قبل و هم امسال مینا را بر این گذاشتیم که به مساوات چیزی را تقسیم نکنیم.» این مصاحبه چند جمله‌که جلوتر رفت به بحث درباره پول‌های مشکوک یا آلوده در سینما و شبکه نمایش خانگی رسید؛ چیزی که پلتفرم‌هایی مثل فیلیمو و نماوا درخصوص آن از اضلاع سوال‌برانگیز قضیه بودند. همایون اسعدیان در پاسخ به این موضوع گفت «معتقدم پولشویی در سینما چیزی در حد شوخی است چون پولشویی رقم‌های ۲۰ میلیارد تومانی نیست، پولشویی دست‌کم میلیارد دلاری است.»

کوچک بودن دایره گردش مالی سینمای ایران، اصلی‌ترین توجیهی بود که هواداران پروژه‌های منتم به استفاده از پول‌های مشکوک در آن روزها به کار می‌بردند اما در همان ایام، استدلال‌های صریحی راجع‌به این توجیه وجود داشت که اسعدیان به عمد از کنار همه آن استدلال‌ها گذشت و توجیه قبلی‌اش را باز تکرار کرد و پس از چندی که دادگاه عملاً وقوع پولشویی در پروژه‌هایی متعلق به شبکه نمایش خانگی را به اثبات رساند، دیگر یک کلمه از امثال اسعدیان چیزی در این خصوص شنیده نشد. با توجه به اینها می‌شود به‌سادگی فهمید که توقعی جز آنچه در اظهارنظر اخیر اسعدیان دیده شد، نمی‌توان از او داشت. پناه بردن به تئوریک و بیان حرف‌های هیجان‌انگیز بلاغی در واکنش به چیزی که توهمین به بازیگران تلقی شده، راحت‌ترین کار است و همایون اسعدیان و بسیاری از هم‌صنفی‌هایش که با این پلتفرم‌ها همکاری کردند و در مقاطع بسیاری به دفاع از منطق مالی آنها پرداختند، همچنان در معرض همان پرسش سخت هستند؛ منطق اقتصادی این سرمایه‌گذاری‌ها چیست؟



«بازی اختاپوس» و نگاهی چندوجهی به مساله فلسطین

مساله مربوط به فلسطین و جنایات رژیم غاصب صهیونیستی تاکنون در مستندهای بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است که هر یک از زاویه و نگاهی متفاوت و در برخی از موارد، به صورت موضوعی به فصل‌هایی از تاریخ پر فراز و نشیب‌آن پرداخته‌اند. شکل‌گیری و انجام عملیات طوفان الاقصی، باردیگر موضوع فلسطین را در کانون توجه قرار داد و آثار بسیاری با موضوع فلسطین از شبکه‌های مختلف سیما به روی آنتن رفتند. در این میان، مستندهای شاخصی وجود دارند که هر یک حاوی نکات مهم و جالب توجهی هستند.

بی‌رای مثال «جنبش فتح فلسطین» عنوان فیلم مستندی است که به دولت خودگردان فلسطین می‌پردازد. تشکیلاتی که تحت کنترل و اداره جنبش فتح بوده و باهدف مبارزه چریکی با رژیم صهیونیستی تأسیس شده است. این اثر، در قالب مصاحبه با اعضای کمیته مرکزی جنبش فتح، ضمن بیان تاریخ و تحولات فکری این جنبش، به معرفی افراد شاخص آن نظیر یاسر عرفات، محمود عباس، محمد دحلان و… می‌پردازد و تلاش می‌کند نگاهی همه‌جانبه را در خصوص موضوع خود پیش روی تماشاگر قرار دهد.

«مردی که گفت نه» عنوان دیگر مستند ساخته‌شده در ارتباط با فعالیت‌های

آزادی خواهانه مردم فلسطین است. روایتی از زندگی دوگال ابوتاس به عنوان

یک لبنانی مسیحی که به جریان مقاومت فلسطین می‌پیوندد. ابوتاس در

یکی از عملیات‌های ضداسرائیلی دستگیر شد و تا مدت‌ها در زندان‌های

رژیم صهیونیستی تحت شکنجه قرار داشت.

«در جستجوی وطن شرقی» از دیگر مستندهای شاخص در این زمینه است.

علیرضا خوشنویس، کارگردان این اثر، در مستندی پرتوه به زندگی و زمینه‌هایی

مهم‌ترین سرفصل‌های مربوط به مساله فلسطین بپردازد. محمد فیاضی با بهره‌گیری از ساختاری پویا و غیرخطی، در عین توجه به نمودار طولی گذر زمان، در فرازهایی از مستند و بنا به مقتضیات موجود، صورت شکلی مشابه در رفتار متجاوب‌کارانه رژیم صهیونیستی در طول تاریخ را به شکل پازل‌گونه در کنار یکدیگر قرار داده است و از این طریق، عدم مشروعیت حکومت صهیونیستی را به مخاطب یادآور می‌شود. بازی اختاپوس از پژوهشی دقیق و گسترده‌سود می‌برد و فیلساز توانسته است این روند پژوهشی را در قالبی روان و کارآمد سازماندهی کند. در این مجموعه مستند زمینه‌هایی «استعماری»، «فاشیستی» و «تئورستی» رژیم اسرائیل به‌عنوان سه ضلع دائمی در طول حیات و فعالیت این موجودیت غاصب در قالب روایتی تاریخی با بهره‌گیری از صحبت‌های کارشناسان و نقل‌های تاریخی مورد تأکید و توجه قرار گرفته‌است. همچنین موضوعات مهم و حساسی همچون خرید زمین‌های موجود اراضی اشغالی توسط اسرائیل که از فصل‌های مناقشه برانگیز در میان برخی پژوهشگران است، با استفاده از اسناد، مکاتبات و منابع موجود بررسی شده و حقایق زیادی را در قالب روایتی مستند، تصویری و قابل اطمینان به ثبت رسانده است. پرداختن به چگونگی اشغال سرزمین فلسطین و استراتژی به‌کارگرفته‌شده توسط اسرائیل، بدون توجه به فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی رژیم غاصب و همچنین نحوهتشکیل جریان‌های آزادی‌بخش توسط مردم فلسطین ممکن نیست.

بر همین اساس، بازی اختاپوس نقطهٔ آغازین در طرح مساله خود را در زمانی پیش از سال ۱۳۲۷ و تشکیل موجودیت رژیم اشغالگر قرار داده است. درباره واکنش فلسطینی‌ها نسبت به تجاوز صورت‌گرفته به موطن آنها احزاب و جریان‌های سیاسی و اجتماعی متفاوتی وجود داشته‌اند که در شیوه مبارزه و نوع تفکر،

فکری و رفتاری ادوارد سعید پرداخته است. ادولارد سعید از جمله فلسطینیان مسیحی است که سال ۱۹۲۸ و در پی تشکیل رژیم صهیونیستی، همراه با خانواده خود از فلسطین اخراج و مجبور به ترک وطن شد. او بعدها به عنوان یک منتقد به حمایت از حقوق فلسطینیان پرداخت و در کتاب «شرق شناسی» با انتقاد از مطالعات غرب درمورد شرق و جهان اسلام، آن را مغرضانه دانست. ادولارد سعید در دانشگاه‌های هاروارد و پرینستون تحصیل کرده‌بود و استاد زبان انگلیسی و ادبیات تطبیقی در دانشگاه کلمبیا به‌شمار می‌رفت. او به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران نظریه پسااستعماریایی شناخته می‌شود.

«هاکریا ۲۴۰» عنوان دیگر فیلم مستند در این زمینه است که در سازمان هنری- رسانه‌ای اوج تهیه شده است. هاکریا نام منطقه‌ای در تل آویو است و ۲۴۰ به‌سالی اشاره دارد که به تعبیر رهبر انقلاب، دیگر موجودیتی به نام اسرائیل وجود نخواهد داشت. در این مستند، کارشناسانی نظیر حسن عباسی، سیدمحمد موسوی، علی رائفی پور و… درباره زمینه‌هایی فکری و عملیاتی رژیم اسرائیل و چگونگی ایدئولوژی رهبران آن صحبت کرده‌اند.

«بازی اختاپوس» عنوان تازه‌ترین مجموعه مستند ساخته‌شده با محوریت کشور

فلسطین و جنایات رژیم صهیونیستی است که این شب‌ها از شبکه یک سیما

پخش می‌شود. مجموعه‌ای ده‌قسمتی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمد فیاضی

که محصل موسسه اندیشه شهید آوینی است و با نگاهی ریشه‌ای و جامع به

چگونگی شکل‌گیری و فعالیت‌های رژیم صهیونیستی، جریان مقاومت فلسطین

و عملیات طوفان الاقصی پرداخته است. بازی اختاپوس رویکردی چندوجهی

دارد و تلاش می‌کند در «کسبمتن بایبانی موجز و در عین حال همه‌جانبه، به

یادداشت

تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر داشته‌اند. برخی از آنها نظیر یاسر عرفات از طریق سازش و پذیرش مفاد معاهده‌های رژیم صهیونیستی آن هم بدون توجه به صورت مساله، تنها در پی تشکیل دولت رسمی فلسطین بوده‌اند و گذر زمان و سرنوشت تراژیک او نشان داده است که صلح با یک رژیم جعلی ممکن نیست. برخی دیگر نیز نظیر جنبش مقاومت اسلامی با همان «حماس» که برخلاف جریانات قبلی، نه بر اساس تفکر چپ، بلکه بر اساس آموزه‌های دین اسلام حرکت می‌کند، راه مبارزه را در پیش گرفته و تحت هیچ شرایطی حاضر به صلح با اسرائیل نیست. جنبشی که پایه‌گذاری آن توسط شیخ احمد یاسین صورت گرفت. فردی که به جریان‌آموزه‌های سیاسی اخوان‌المسلمین تعلق داشت و گستره‌فعالیت‌های او در راستای آزادی فلسطین، از زورآوردن تادریای مدیرانه‌وادر برمی‌گردد. بازی اختاپوس بابرخورداری از روندی موشکافانه و مثال‌زدنی، به نحوه ایجاد و سیر تکاملی چنین جنبش‌هایی پرداخته است و دانش و اطلاعات زیادی را در این خصوص در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. موضوع مهم دیگر در به تصویر کشیدن روند دقیق مبارزه با رژیم صهیونیستی، پرداختن به موضوع نحوه سازش کشورهای عربی منطقه با رژیم صهیونیستی در دهه ۷۰ است که این مجموعه مستند موفق به ارائه تصویری پرچشنیات از آن شده است. همچنین بخش مهمی از بازی اختاپوس به انجام عملیات طوفان الاقصی و بیان جنایات رژیم صهیونیستی در پی آن می‌پردازد. اتفاقی که از آن به عنوان یک نسل‌کشی گسترده و پدید آوردن بنیان‌های هراس در میان غیرنظامیان فلسطینی تعبیر می‌شود. بازی اختاپوس مستندی با فرم و ساختاری دقیق و فکر شده است که تماشای آن می‌تواند آموزه‌های بسیاری را در راستای بیداری اسلامی به مخاطبان خود منتقل کند.